

## از دل برآید و بر دل نشیند

### بحثها و نظرات خوانندگان درباره آزادی جنسی

#### تعریف آزادی جنسی

سلام به همه بر و بچه‌های سکافی. امیدوارم که حالتون خوب باشه. من به راست میرم سر اصل مطلب. به نظر من جوونا (من یک پسر ۱۹ ساله هستم) اول باید خودمون یاد بگیریم که آزادی جنسی چیه و بعد بریم دنبال عملی کردنش. من وقتی می‌شینم و با دوستانم درباره سکاف و اهدافش صحبت میکنم، واقعاً از نظر بعضی از اونها خوشم نمی‌آد. درصد بالایی از جوونای ایران مخصوصاً پسرها منظورشون از آزادی جنسی اینه که هر وقت خواستن به کس دم دستشون باشه که بکنن توش. ولی من مطمئن هستم که منظور سکاف و سکافی‌ها از آزادی جنسی این نیست. به نظر من آزادی جنسی حتماً زوم کردن روی آلت تناسلی نیست. من می‌خوام آزادی داشته باشم که به دختری که دوستش دارم ابراز علاقه کنم، دستشو بگیرم و با خیال راحت با هم به گردش بریم. احساسات عاطفی خودمو بهش ابراز کنم و در نهایت هم اگر هردو آمادگی داشتیم به سکس بپردازیم که دیگه اگر اثبات عشق. معمولاً این آدمهایی که دختر رو فقط برای لای پاش میخوان و اینجور آزاد جنسی می‌خوان همونایی هستن که تا یکی به خواهرشون نگاه میکنن، داغ میکنن و رگ به اصطلاح غیرتشون میزنه بالا. من اول می‌خواستم به این عزیزان بگم که به ذره فکر کنید، باور کنید اینکه کسی موی خواهرتون رو ببینه یا با اون دوست باشه، بی‌غیرتی نیست. اینکه ما همینطوری نشستیم و نگاه میکنیم که اینطوری دارن ایران رو از بین می‌برن و ذهنمون رو پر از چرت و پرت میکنن بی‌غیرتیه به نظر من، همه اونهایی که از ماهواره اروپا استفاده میکنن فرق بین سه کانال VOX و **Ultrablue** و Channel2 رو میدونن. اولترا بلو که همه می‌شناسن، به کانال سوپر کامل، ولی کانال وکس سکسش رو هم نشون میده ولی سوپر نیست و کانال ۲ به کانال فیلمه که صبح تا شب فیلم نشون میده ولی با سانسور. البته سانسورش ایرانی نیست که حتی وقتی دختر و پسر دست هم رو میگیرن، پره‌آخر فیلم. اونم تا لب گرفتنشون نشون میده. منظورم از معرفی این سه کانال اینه که آزادی جنسی شامل همه این چیزها میشه. یعنی ما تو ایران آدمون همه این کانالها رو میتونیم داشته باشیم. ولی اون گروهی که گفتم دختر رو فقط بخاطر کردن میخوان و اونو کس صدا میکنن، میخوان که ایرانشون مثل اولترا بلو بشه. ولی به سری افراد هم مثل خود من میخوان که توی مملکتی مثل کس زندگی کنن. من و برادرم که ۲۳ سالشه و هردومون سکاف رو می‌خونیم و داریم جو خونه‌امون رو بسمت به سکاف کامل پیش می‌بریم. من که تصمیم گرفتم خونواده آینده‌مو یک خونواده سکافی کامل بسازم (از نوع وکس). امیدوارم که بقیه جوونا هم همین کار رو بکنن تا روند جامعه آینده ما حداقل برای بچه‌هامون یک جامعه آزاد باشه و در آخر هم می‌خواستم از همه کسانی که سکاف رو می‌خونن خواهش کنم یک نامه برای سکاف بنویسن و بگن که چند نفر دارن سعی میکنن که جامعه ما رو سکافی کنن و اگر ممکنه، سکاف در شماره بعدی نتیجه آمارگیری رو چاپ کنه. به امید ایران آزاد.

سکاف: پیشنهاد میکنیم اگر خوانندگان سؤال یا ابهامی درباره مفهوم آزادی جنسی دارند، حتماً مطرح کنند و ما جواب خواهیم داد. با اینهمه برای آشنا شدن با فرهنگ سکاف، حتماً دوستان مطلب "یک سکافی چه خصوصیتی دارد" (در شماره ۲۶)، را بخوانند. همینطور مطالب سخنی با خوانندگان در سکاف ۱۱۱ و ۱۸.

درباره انعکاس فعالیت خوانندگان در معرفی و پخش سکاف تو کشور، یکبار قصد داشتیم که این فعالیتها را منعکس کنیم و درخواست هم کردیم، اما متوجه شدیم که سطح فعالیت و ابتکارات

دوستان آنقدر زیاد بود که نمی‌شد همه آنها را منعکس کنیم و تصمیم گرفتیم از آن بگذریم. فقط همینجا بگوئیم که سکاف در چندین و چند سی دی در شهرهای مختلف دست بدست می‌گرده، تعداد زیادی از شما ره‌های مختلف سکاف مخفیانه بصورت مجله چاپ و تکثیر شده، هر پی دی اف که به یک فرد می‌فرستیم بطور متوسط حداقل توسط ۱۰ نفر خوانده میشود، مقدار زیادی از مطالب سکاف مورد استفاده معلمان مدارس قرار می‌گیرد، بعضی از دوستان مطالب آموزشی سکاف را کپی کرده و بین دانش آموزان یا دوستان خود پخش میکنند، بعضی خانواده‌ها این مطالب آموزشی را به فرزندان خود میدهند، کلی از مطالب سکاف در روزنامه‌های دیواری مدارس منعکس میشود و..... . سکاف میلیونها خواننده در کشور دارد. خوانندگان سکاف تنها آنهایی نیستند که اینترنت دارند، حتی تعداد زیادی از کسانی که کامپیوتر هم ندارند، سکاف را می‌خوانند. با این همه شاید بد نباشد یک هفته یا یک روز را بعنوان هفته یا روز سکاف (یا هفته آزادی جنسی) در کشور در نظر بگیریم. که در آن روز یا هفته اقدامات و ابتکارات بیشتری طرح مسئله در کشور و همچنین برای معرفی و پخش هرچه بیشتر سکاف، از طرف خوانندگان صورت بگیرد. برای اینکار منتظر نظرات و پیشنهادات شما خوانندگان خواهیم بود.

### تعریف جنده

به نظر من راه حلی که یکی پیش پای جوونهای ایرانی گذاشته که پسرها شبها برن تو پارک (سکاف شماره ۳۵) و منتظر بشن که دخترها که بیان بغل اونها بشینن، بسیار کاری بی منطق و نامعقولی هست.

اول اینکه نمی‌دونم دخترها میتونن در این ساعت که ایشون فرمودن (۹ تا ۱۲ نیمه شب) برن بیرون و توی پارک باشن. دوم اینکه به نظر من این راه حلی نیست که جواب بده؛ چون در اینمورد دختر طرف خودشو پیدا میکنه نه اینکه طرفین همدیگه رو پیدا میکنن. این دو خیلی با هم فرق میکنن و باز هم میگن به نظر من ممکنه زیاد محکم نباشه اینجور روابط. یه مسئله مهمی هست که متاسفانه در ایران کوفتی (البته بخاطر حکومت نه چیز دیگه) بین دخترها و پسرها جا افتاده اینه که پسرها نسبت به دخترها به دید جنده نگاه میکنن، چون باز تو ایران جنده اینطور تلقی میشه که:

۱- خودشو در مقابل مقداری پول در اختیار بقیه میذاره.

۲- کسی که فقط با یک نفر رابطه سکسی نداشته باشه. یعنی مثلاً آگه دختری بعد از اینکه با پسری سکس داشت و با اون به هم زد و با پسر بعدی سکس داشت، پسرها روی این دختر اسم جنده میگذارن، که من به شخصه با این عقیده مخالف هستم ولی جدآ نمی‌دونم چجوری میشه جلوی اینجور افکار چشم و گوش بسته رو گرفت.

دخترها هم توی این دوران اینقدر خودشونو میگیرن که دیگه حد نداره، حالا نمیدونم این بخاطر اینه که از طرف مقابلی که میخواد باهاشون دوست بشه، خوششون نمی‌آد یا اینکه به پسرها اصلاً اعتماد ندارن. چون همونطور که میدونید این حکومت همه اقشار جامعه رو مثل گرگ کرده که هر فردی منافع خودشو میخواد. حالا والا من که نمیدونم که چی باید کرد. سکاف: اونهایی که فکر میکنند اگر دختری با دوست پسر اول سکس داشته و بعد رابطه اونها بهم خورده و این دختر رفته دوست پسر جدید گرفته و باهاش سکس داشته، جنده است، بهتر است که اول برن افکار قدیمی خودشونو بریزن بیرون و بعد یاد بگیرن که قضاوت در باره دیگران یعنی فضولی، بد اخلاقی و بدآموزی. و یک چیز دیگه به نظر اینها آگه دختری با بیش از یک نفر سکس داشت، جنده است، پس آگه پسری با بیشتر از یک نفر سکس داشت اون هم جنده است. درحالی که مسئله اصلاً این نیست، بدن هر کسی مال خودشو، میخواد بدن و احساس خودشو

با یکی یا ده تا قسمت کنه، ربطی به ما و شما ندارد. مطلب پاسخ به نیاز جنسی-سخنی رو در رو با خوانندگان (در شماره ۳۵) را بخوانید.

### پدر در مملکت ما

نمی‌دونم میخواین اینو چاپ کنیم یا نه ولی فکر کنم حرف خیلی‌ها باشه. حرفاتونو کاملاً قبول دارم، من خودم با اینکه به علت اعتقادات خودم نمیخوام تا قبل از ازدواج سکس داشته باشم، اما به کسی که داره، احترام میگذارم. بر خلاف پدر و مادرها ارزش خودمو به یک تیکه پرده نمی‌دونم. کسی هم که برایه تیکه پرده بخواد یک عمر با من زندگی کنه، میخوام که صد سال سیاه نکنه. شاید چیزایی که بگی برای پسرها قابل اجرا باشه، اما عزیز من، مگه شرائط دخترها رو تو این خراب شده نمیدونی؟ دختر آب میخوره با اجازه باباش است، راه میره با اجازه باباش، حتی اگه باباش اجازه نده گذرنامه نمیدن. تو روزنامه خونده بودم که باباه که دخترشو کشته، این آدم، فقط ۶ ماه زندان داشته چون باباش بوده. دختر تا زمان ازدواج، باباش همه کاره‌اش است و بعد ازدواج شوهرش همه کاره میشه. شاید به حرف آسون باشه اما به عمل نه. اینجا آمریکا نیست، بچه بره بگه بابام منو زده؟ میگن باباته، باید بزنه، بابات میتونه نذاره که تو از خونه بری بیرون، بابات میتونه تا آخر عمر بزارتت تو خونه، بزور شوهرت بده، میتونه تو رو بکشه، هر غلطی باباه میخواد میتونه بکنه، آزادی عمل داره. تو ایران چه بخوای و چه نخوای همه کاره بابای دختر است. با این اوصاف اگه راه حلی به نظرت میرسه، به این قانونهای کیری مملکت ما بگو. من بعنوان یک دختر ۲۰ ساله آرزومه که برا خودم تصمیم بگیرم اما هرچی فکر میکنم، هر راهی میرم، می‌بینم نمی‌شه. دوستت دارم سکاف، خیلی باحالی، همه چیزتون، اما کاش کاری میکردی که اوضاع این خراب شده درست بشه. با بوسه، دوستتون دارم.

*سکاف: ما امیدواریم که خوانندگان سکاف به اصلاح فرهنگی جامعه و زدودن سنتهای زشت و سرکوبگر اجتماعی تلاش بیشتری بخرج بدهند و بخصوص اینکار را از توی خانواده‌ها و نزدیکان خود شروع کنند. و مهمتر از آن، زنان و دختران ما باید به این روابط مردسالار دست رد بزنند.*

### اعصاب خردی از دست علی گدا و ممد چاخان و.....

من یه سکافی هستم و عاشق و دوستدار هر کسی که سکافیه و اخلاق سکافی داره. امروز که این ای‌میل را مینویسم، مثل همیشه از دست این حکومت آخوندی اعصابم خرد شده و تنها چیزی که به فکرم رسید دردو دل با بهترین دوستم سکاف است. در حرف دل یه جوجه سکافی (شماره ۳۴) آقای نویسنده گفته بود که "چی می‌شد در کشور ما هم در ویدئو کلوب‌ها فیلم سوپر و اینکه مغازه‌های وسایل سکسی داشته باشیم؟" و حالا من میخوام اینو بگم که خیلی بیشتر از اونیه که فکر می‌کنیم توی مسائل جنسی و سکسی عقب هستیم. دیروز ساعت هفت بعد از ظهر رفته بودم عکاسی، یه حلقه فیلم داشتم که میخواستم بدم چاپ کنن، در این حلقه فیلم من چندتا عکس سکسی از خودم انداخته بودم، بله ما حلقه فیلم رو دادیم و اونا گفتن فردا همین موقع بیا و عکساتو بگیر. فرداش شد و سر ساعت رفتم که عکسامو بگیرم ولی وقتی رفتم گفتن که عکسات هنوز چاپ نشدن و فقط ظهور کردیم. گفتم خودتون گفته بودین که اگه امروز همین موقع پیام آماده می‌شن؟! اونا هم کمی مکث کردن و بعد نگاهی به حلقه نوار کردن و گفتن مثل اینکه عکساتون اسلامی نبوده، ما هم چاپ نکردیم، ببرید یه جای دیگه که اینجور

عکسها رو چاپ میکنن. وقتی این جمله رو شنیدم نمی‌دونستم بخندم یا به حال و روزمون تو این جامعه گریه کنم. من هم گفتم یعنی چه؟ چه ایرادی داره؟ شاید یکی بخواد اینجوری از خودش عکس بندازه و از خودش یه عکس "غیر اسلامی" داشته باشه.!!!!..... اونا هم گفتن خوب دیگه غیر اسلامی ما چاپ نمی‌کنیم.

اصلاً هیچ چیز این حکومت بدرد نمی‌خوره. شما را بخدا به حرف اون یارو و کارشون فکر کنید ببینید چقدر خنده‌داره. در حقیقت میشه گفت لطف حکومتی که می‌خواود همه‌امون رو بهشتی کنه، شاید فکر کردن که اگه عکسامو چاپ کنن، من با عکس خودم وسوسه می‌شم بعدش اگه کم کم هم جلق بزیم گناه کبیره می‌کنم، وای وای وای.....!!! خدایا کی از دست این حکومت خلاص میشیم؟ از دست این علی گدا، ممد چاخان و..... خلاصه ما که نمی‌تونیم عکس سکسی خودمون رو بدیم چاپ کنن دیگه چه برسه به داشتن مغازه وسایل سکسی؟ به امید سکافی شدن همه مردم ایران و از بین رفتن همه آخوندا و مذهبشون.

### سکاف در شیراز

توی شیراز نمی‌شه که درباره سکاف یک نظرخواهی درستی صورت بگیره، چون هم خطرناکه و هم اینکه درباره سکاف نمی‌شه از آدمای مهم و درست حسابی در اینمورد پرسید، ولی دوستانم رو که مطمئنم که صد درصد از سکاف خوششون اومده، البته تعدادی از رؤسای ادارات رو هم می‌شناسم که نمی‌دونم نظرشون چیه ولی هر ۱۵-۱۰ روز یه بار سکاف دات کام رو چک می‌کنن. تنها مشکل سایت گرافیک پائین آن است ولی در غیر اینصورت کارتون عالی، وری گوود، در هر زمینه ۱۰۰٪ در خدمت شما هستیم، با اینکه شما رو نمی‌شناسیم اما حس میکنیم که بد مردم را نمی‌خواهید واقعاً.

### راه حل ترکیب مدارس دختران و پسران است.

اگه اجازه بدین می‌خوام یه کم درد دل کنم. واقعاً چه روزگار سخت و خفقان‌آوری است، دلم خیلی خون شده، هر وقت فکر میکنم ناراحت میشوم، از همه دوری میکنم، احساس تنهایی میکنم و هر وقت فکر میکنم ناراحت میشوم. واقعاً چرا پیدا کردن یک دوست دختر اینقدر باید سخت باشه؟ راستش الان تازه به جوابم رسیدم. امروز با دوتا از دوستانم داشتم می‌اومدم خونه، سر راه دیدم دوستم محکم دختری را تنه زد. دختر بیچاره چه میتوانست بکند؟ فقط برگشت و گفت بیشعور. یا یکبار دیگر دیدم پسری با تنه دختری را نقش زمین کرد، یا پسر دیگری به دو دختر ۱۷-۱۶ ساله سنگ میزد. راستش معلم دفاعی ما یک سکافی است، امروز از محدودیتهای مدارس دختران میگفت که علاوه بر حق شوخی و خنده و گفتگو با هیچ پسری را ندارند و گرنه با یک پسوند اخراج میشوند. خوب در پوشش

خانواده‌ها که میدانید چه وضعی است. اینها همه موجب وارد آمدن یک آسیب بزرگ به این قشر است. از طرفی مشکلات روحی موجب فشار بیش از حد و دوری از پسران میشود، و نتیجه هم اینکه پسران از دختران دور می‌افتند پس این فشارها روی هم انباشته میشن و آسیب جدی به دو طرف می‌رسد. مثلاً برادر من مالخولیایی شده و یا خود من هم همینطور. اینها هستند که ما هر روز در صفحه حوادث روزنامه‌ها می‌خوانیم و راه حل همه این مشکلات یک چیز است و آن هم ترکیب و یکی کردن مدارس دختران و پسران است. اینکار کمک زیادی به کل جامعه میکند و بیش از نیمی از مشکلات جوانان حل خواهد شد.

سکاف: با این نظر شما صد در صد موافقیم.

### چرا باید مملکت ما اینطوری باشه؟

من می‌خوام بگم که آیا شلوار تنگ پوشیدم جرم است؟؟؟؟ چرا نباید حق داشته باشیم که

آستین کوتاه بپوشیم؟ چرا باید ما را نیم ساعتی دیرتر از مدرسه دخترانه پائین خیابون تعطیل کنن؟ و وقتی می پرسیم میگن برای جلوگیری از فساد! آخه در نظر اینا فساد اصلاً چی هست؟ سال پیش تو همین مدرسه یعنی دبیرستان شریعتی واقع در شهرک ژاندارمری از من کاندوم گرفته بودن و یک هفته از مدرسه اخراج کردن؟؟؟؟؟ چرا؟ به چه دلیل؟ مگه کاندوم جرمه؟؟ تریاک که نیست! وسیله‌ای برای جلوگیری از بیماری جنسی است. من اینو بهشون گفتم، جوابم دادن که: تو گه میخوری که میخوای تحرکات جنسی داشته باشی، بچه‌های مدرسه ما از اینجور کارها نمی کنن. خوب برای جناب آقای کلانترزاده مدیر مدرسه متاسفم! آخه چرا باید مملکت ما اینطوری باشه؟

سکاف: ما هم همین سؤال را داریم، و جواب اینکه چه باید بکنیم را در مطلب جوانان و مسئولیت (اولین مطلب این شماره) نوشته‌ایم.

## خونریزی - خانمها حتماً بخوانند!

( گرفته شده از کتاب تشخیص و درمان طبیی بیماریها)

من توی خیلی از دور و بری هام دیدم که دخترها یا خانمها خیلی از مسائل مربوط به قاعدگی رو پنهان میکنند و به صورتی از این موضوع خجالت میکشن. ولی نمیدونن که خیلی از این مسائل ممکن است به سرطان ختم بشه! برای همین هم تصمیم گرفتم مطلب زیر را برایتان بنویسم تا شاید بعضی‌ها یه سری از مشکلات را جدی بگیرند.

خونریزیهای غیر طبیعی رحم در دوران قبل از یائسگی:

خونریزیهای غیر طبیعی رحمی در دوران قبل از یائسگی به دو صورت است؛ یکی خونریزی زیاد یا طولانی‌تر از معمول در روزهای قاعدگی که هیپومنوره یا منوراژی نامیده میشود. دیگری خونریزی در فواصل زمانی بین دو قاعدگی که آنرا مترووراژی مینامند. تقریباً میتوان گفت کلیه زنان در طول سالهای بلوغ تا یائسگی یکبار یا بیشتر گرفتار خونریزی غیر طبیعی میشوند. این خونریزی در مواردی موجب ناتوانی و گاه عوارض بحرانی میشود.

روندهای خونریزی غیر طبیعی رحم:

خونریزیهای غیر طبیعی رحم همه به یک شکل نیستند و متفاوت هستند:

۱- هیپرمنوره (هایپرمنوره) یا منور راژی: دوره زمانی ماهانه طبیعی است، منتها میزان خون قاعدگی زیادتر از حد طبیعی است و طول زمان خونریزی ممکن است عادی یا طولانی‌تر از معمول باشد.

۲- هیپومنوره (مایپومنوره) یا کریپتومنوره: میزان خون قاعدگی از حد طبیعی کمتر است. گاه خون آنقدر کم است که زن تنها لکه‌های خون را میبیند. علت اصلی گاه ممکن است انسداد پرده بکارت یا دهانه گردن رحم باشد.

۳- پولیمنوره: دوره‌های خونریزی شبیه قاعدگی در فواصل زمانی کمتر از ۲۱ روز رخ میدهد و مقدار خون ممکن است طبیعی یا غیر طبیعی باشد. یکی از علل شایع این عارضه نارسایی در تخم‌گذاری است.

۴- تولیگومنوره: دوره‌های خونریزی شبیه قاعدگی در فواصل زمانی بیش از ۳۵ روز رخ میدهد. هرگاه فواصل زمانی از شش ماه تجاوز کند، اصطلاح امنوره بکار میرود. علت معمولاً اندوکرینی (مربوط به غدد) یا مربوط به بیماریهای سیستمک (جهازی) است و فقدان تخم‌گذاری معمولاً با عارضه همراه است.

۵- مترو راژی: خونریزی غیر طبیعی در فواصل قاعدگی طبیعی رخ میدهد. به عبارت دیگر زمان قاعدگی و میزان خون قاعدگی اصولاً وصفی طبیعی دارد منتها در فواصل زمانی دو

قاعدگی خونریزی غیر طبیعی رخ میدهد که مقدار آن ممکن است کم و بصورت لکه یا زیاد و بصورت خون جاری باشد. متروراژی یکی از علایم سرطانه‌های رحم است و با مشاهده چنین حالتی، دختر / زن حتماً باید به پزشک متخصص مراجعه کند تا با آزمایش نفی یا اثبات سرطان صورت بگیرد. زخم‌های گردن رحم و پولیپ‌های آن اختصاصاً با پیدایش لکه بعد از مقاربت جنسی همراه است. گاهی اوقات نیز خونریزی در زمان تخمک‌گذاری رخ میدهد که معمولاً شیوع آن زیاد و به صورت یک پدیده زود گذر در زمان معین تخمک‌گذاری در فواصل میان دو قاعدگی ظاهر میشود. در سالهای اخیر تجویز زیاد یا نابجای استروژن در موارد نسبتاً زیادی موجب متروراژی شده که غالباً با منوراژی همراه بوده است.

۶- منومتروراژی: خونریزی رحمی از نظر تواتر و فواصل و طول زمان نامنظم و خون دفع شده، بیش از حد معمول است. عوامل و شرایطی که موجب متروراژی میشود، میتواند ایجاد منومتروراژی نماید.

عوارض: خونریزی زیاد یا طولانی میتواند منجر به کم خونی شود که خود بروز عفونت موضعی یا عمومی را تسهیل مینماید. تومورها ( غدد سرطانی) میتوانند باعث عقیم شدن زن گردند و بالاخره سرطان رحم یا لوله‌ها را باید هرچه زودتر کشف کرد و آنها را از قبل از گسترش خود به دیگر جاهای بدن، از بین برد.

### **وقتی موانع ذهنی‌ام را کنار زدم حل کننده: سیامک ر.**

چند شب پیش از سر شب تصمیم به حال کردن گرفته بودیم ( با همسرم رؤیا). بعد از خوردن شام و کمی صحبت و شوخی به اتاق خواب رفتیم و مشغول شدیم. بعد از کمی ناز و نوازش و مقدمات معمول به سراغ کسش رفتیم و شروع کردم به خوردن آن، تا آنجا که فکم درد گرفت، بعد رؤیا شروع کرد به ساک زدن برای من؛ انصافاً که خیلی ماهرانه و با اشتیاق فراوان اینکار را انجام میدهد. ازش خواستم که در حین کار انگشتش را توی کونم فرو کند و با تحریک پروستات لذتم را بیشتر کند. ( بعد از خواندن سکاف و بخصوص مطلب با مرکز ج در مردان آشناشویم- در شماره ۱۹، چون در گذشته موانع ذهنی مانع اینکار می‌شد.) خلاصه وقتی انگشتش را فرو کرد احساس لذت خوبی کردم، به همین خاطر دستش را عقب کشیدم، سوراخ کونم و انگشتش را آغشته به لوبری ژل کردم و ازش خواستم که با دو انگشت کار را ادامه دهد.

وقتی هر دو انگشت رؤیا رفتن تو کونم احساس لذت زیادی کردم، ازش خواستم تا هماهنگ با بالا و پائین رفتن دهنش روی کیرم، دستش را هم قعب-جلو ببرد؛ وای که نمیدانم لذت و احساسم در اون لحظه را چطور توصیف کنم. نمیدانم چرا آن شب آنقدر حال میداد، آخه قبلاً هم اینکار را کرده بودیم اما اینجوری حال نداده بود. لذت آن بحدی زیاد بود که حس کردم دلم میخواهد چیز کلفت‌تری توی کونم باشد، چیزی مثل یک کیر. خلاصه در دسترون ندهم، آنچنان آه و اوهی ازم بلند بلند شده بود که همسرم هاج و واج مانده بود و هر از گاهی کیرم را از دهنش خارج میکرد و با تعجب میگفت چه خبرته بابا؟! من هم می‌گفتم نمیدونم ولی خیلی داره حال می‌ده.

خلاصه یه خورده با خودم کلنجار رفتیم و موانع ذهنی‌ام را دیگر کامل کنار زدم و شروع کردم به فکر کردن که توی خونه چه چیزی پیدا میشه که بتونه کار کیر را برایم انجام بده. ناگهان چشمم به برس موی سر که روی میز توالت بود افتاد و دسته آن نظرم را جلب کرد. به رؤیا گفتم که برس را بده. با تعجب پرسید برس میخوای چیکار؟ گفتم میخوام بکنمش تو کونم، با تعجب گفت وا؟؟!!

خلاصه ظرف یک دقیقه دسته برس آغشته به ژل توی کونم بود و رؤیا هم مشغول ساک زدن کیرم. ولی دیدم دسته برس حالی را که انتظار داشتیم، نمیده، آخه هم چوبی بود و هم نازک.

دوباره به فکر افتادم که نصف شبی چی پیدا کنم که به دردم بخوره؟ اول به فکر خیار یا بادمجان یا هویج افتادم، از رؤیا پرسیدم، ولی هیچکدام در خانه موجود نبود، ناگهان بفکر گوشتکوب چوبی افتادم که دست کلفت و گرد و بلندی داشت، تقریباً اندازه کیر خودم. به رؤیا گفتم برو گوشتکوب را بیار. بنده خدا دیگه داشت شاخ در می آورد. ولی مهربانانه رفت و گوشتکوب را آورد. نگاهی به دسته آن انداختم، دیدم که کلفتی و گردی آن خیلی خوب است اما نوک آن کمی زائده داشت که ممکن بود کونم را زخم کند و رؤیا هم همین را گفت. تو فکر بودم چکار کنم که یاد کاندوم افتادم، خوشبختانه کاندوم تو خونه داشتیم؛ یه دونه کشیدم روی دسته گوشتکوب و کلی ژل به آن زدم و از رؤیا خواستم که به حالت ۶۹ لاتین (69) بخوابیم و اون ضمن ساک زدن دسته گوشتکوب را یواش یواش و تا آنجا که می شد، بکند توی کونم. اول کمی درد داشت ولی چون رؤیا همزمان برایم ساک میزد، درد هم کم کم به لذت تبدیل شد، و او همزمان با بلعیدن و بیرون دادن کیرم توی دهن خودش، گوشتکوب را هم جلو عقب میبرد، و لذتم آنچنان بود که حد نداشت و من هم لذتم را از طریق کیرم به رؤیا منتقل میکردم چون خیلی حشری بودم و کیرم هم بشدت سفت و سخت شده بود و همزمان هم کس اش را آنچنان وحشیانه میخوردم و می لیسیدم که رؤیا واقعاً ترسیده بود و سعی میکرد کس اش را از جلو دهنم دور کند اما من دو دستی چسبیده بودمش و بهش اجازه حرکت نمیدادم. بعد از مدتی مدتی ارضا شدم، وای خدای من، چه لذتی!!!!!!

قسم میخورم به جون رؤیا که از ۱۷-۱۶ سال پیش که بالغ شدم تا آن شب چنین لذتی را تجربه نکرده بودم. رؤیا لطف کرد و اجازه داد که آبم را توی دهنش بریزم و خیلی محکم سر کیرم را مک میزد. با هربار خروج آب از کیرم آنچنان رعشه ای به بدنم می افتاد که نگو و رؤیا هم خلی لذت میبرد و دسته گوشتکوب را هی بیشتر تو کونم فشار می داد و کیرم را محکم تر می مکید. تمام که شد، رؤیا دهنش را روی شکمم خالی کرد و پرسید برای چی اینقدر حال میداد بهت؟ گفتم که به خاطر غده پروستات که مرکز جی اسپات مردها است که توی کون قرار دارد. بعد از اینکه کاملاً برایش توضیح دادم احوالتی آکنده از حسرت پرسید این غده فقط در مردان است یا زنها هم دارند؟ من هم با شرمندگی گفتم متاسفانه بله اینطور است ولی زنان هم جی و آ. اسپات در واژن خودشون دارند، اما رؤیا از جوابم همچی خوشحال نشد، چون آخه من سکس از کون را خیلی دوست دارم و هرچند وقت یکبار از کون با رؤیا حال میکنیم و حتی اگر من نپرسم خودش از من میخواهد که از کون بکنمش (این هم از معرفت زیادش است که من همیشه جلوش کم می آورم)

به همه آقایون که افکار قدیمی دارند و فکر میکنند اگر چیزی توی کونشان برود، همجنسگرا و از مردانگی اشون کم میشود، پیشنهاد می کنم در می شوند (یا بقول بعضی ها گی میشوند) امتحان کنید تا لذت ببرید. نترسید گی نمیشوید. تنهایی خود یکبار



## رابطه با دوست پسر

از: مریم

خیلی از پسرها روابط خوبی با دختران برقرار میکنند، اما خیلی‌ها هم نه، خوب، دوست پسر / دختر گرفتن به شکلی که امروز داره تو جامعه ما اتفاق می‌افته، تقریباً یک چیز تازه است، یک چیز غیر سنتی. پس بهتر است که در چنین رابطه‌ای سعی کنیم که فرهنگ رابطه دوست دختر/پسر گرفتن را هم به‌مراه آن یاد بگیریم، چون در آزادی و برابری جنسی این خیلی مهم است که یک جفت به حقوق خودشان بطور کامل آشنا باشند.

تو این مطلبی که می‌خواهم بنویسم، اولاً منظور من همهٔ پسرها نیستند و دوماً این مطلب تنها برای دختران نیست، بلکه برای پسران هم هست که در تنظیم رابطه خود با دختران موفقتر باشند. کشور ما زنان جوان از همسر جدا شده کم نیستند. بعضی از پسران که با این زنان جوان آشنامیشوند تو

و طرح دوستی می‌ریزند، فقط بدنبال این هستند که با این زن جوان یک سکس داشته‌باشند (گفتم بعضی‌ها) و حتی طرف دوست دخترشان باشد، ولی وقتی صحبت از ازدواج و تشکیل خانواده میشود، پسره فوری دنبال یک دختر باکره می‌گردد و یا دختری که مد نظر والدینش هم هست.

اینگونه پسران به نظر من، اصلاً معنی دوست دختر گرفتن را بلد نیستند. چرا که وقتی کسی یک دوستی برای خودش انتخاب میکند (منظور من یک فرد با فرهنگ و کسی که سرش به تن‌اش می‌ارزد، است، نه کسی که ادعای زیاد دارد ولی از نظر فکری سرتا پا آخوند سنتی باشد) این فرد با دختری که دوست میشود یعنی او را دوست دارد، از نظر فکری و روحی به همدیگر نزدیک هستند، همدیگر را در خیلی از زمینه‌ها تکمیل میکنند و وقتی در کنار هم هستند احساس شادی و خوشبختی حالا این دوستی ادامه پیدا میکند تا وقتی که هر دو به مرحله‌ای میرسند که برای ازدواج آمادگی میکنند.

دارند و با هم ازدواج میکنند. حالا اگر وسط راه، دچار مشکل شدند یا فکر کردند به هم نمی‌خورند یا هر چیز دیگر، بصورت دوستانه و با توافق از هم کناره می‌گیرند ولی از روز اول که دوستی خود را شروع کردند، هدف جدایی نبوده. در حالی که پسرانی که منظور من هستند، از همان روز اول قصد زندگی مشترک با طرف را ندارند و فقط برای ارضا نیاز جنسی خودشان با دختر دوست میشوند. این یکی از نکاتی است که دختران در شروع رابطه دوستی با یک پسر بهتر است که به آن توجه کنند، نه اینکه هر یک فکر و یک دید خاص به رابطه خود داشته باشند، و بعد یکمرتبه شکست در عشق. البته ممکن

کدام دو نفر با هم توافق بکنند که صرفاً میخواهند با هم دوست باشند و حتی سکس ولی نه بیشتر از این. است

با اینگونه روابط که هر دو طرف در موردش به توافق رسیده‌اند هیچ مشکلی ندارم. اشکال آنجاست من که دو نفر یک برداشت از رابطه نداشته باشند و بدتر از آن یکی از دو طرف نظر اصلی خودش را پنهان بکند.

یک فکر عقبمانده و خنده‌دار که بعضی از پسرها دارند این است که اگر با دختری دوست شدند و خیلی زود در همان روزهای اول با هم سکس داشتند، پسره فکر میکند که این دختر جنده است به این زودی به سکس راضی شد و از این حرفها، خنده‌دار اینکه طرف به خودش نمیگه خوب تو هم که

سکس داشتی و به این زودی راضی به سکس شدی؟ چرا از خودت سلب مسئولیت میکنی و "تقصیر"



را همه بگردن دختر می اندازی؟

موضوع دیگر رفتار دوست دختر و پسر با هم است. اگر دوست پسرستان رفتار ناجوری با شما دارد، مثلاً را مسخره میکند یا بی احترامی میکند و یا بدتر از آن، شما را کتک میزند یا توی اینکه چی بپوشید و شما

بروید و از این گونه کارها، امر و نهی میکند و همان رابطه سنتی پدرش با مادر خودش را میخواهد کجا

شما پیش ببرد، مطمئن باشید که این آقا برای شما آن دوست پسر و شریک زندگی ای که میخواهید، با

نخواهد شد و بهتر است هر چه زودتر با هم تعیین تکلیف کنید.

متأسفانه خیلی از دختران اینطور با خود فکر میکنند که "همه پسرها اینجوی هستند و ما کاری نمی توانیم بکنیم". این بدترین نوع برخورد است، یعنی در رابطه ای که خیلی مهم است و به زندگی ما میشود، از خود سلب مسئولیت کردن و بدتر از آن اجازه به ادامه سنتهای غلط تو زندگی امروز و مربوط

فردای خود دادن و هموار کردن راه برای ادامه نابرابریها که به کل جامعه مربوط میشود و نکته هم همینجاست.

بعضی از دختران حتی ممکن است رابطه با دوست پسرشان را ایده آل ندانند ولی باز همین برخورد بالا را میکنند، همان سوختن و ساختن که مادران ما نسل اندر نسل انجام داده اند و به گسترش و ادامه نابرابریها بین زن و مرد تا زمان ما کمک کرده اند. برای یک عده از دخترها صرف دوست پسر داشتن مهمتر از داشتن یک دوست پسر خوب و فهمیده و با فرهنگ امروزی است. در حالی که پیدا کردن یک پسر خوب متمدن و غیر سنتی و با دیدگاه برابری زن و مرد کار سختی نیست، بشرطی که حاضر دوست

باشید بدنبالش بگردید و منتظر این نباشید که حتماً طرف باید بسمت شما بیاید.

در ابتدای دوستی، افکار و نظرات خود را در مورد رابطه، اینکه بدنبال چگونه دوستی ای هستید، تعهد و مسئولیت متقابل و... حتماً صحبت کنید.

اینکه دوست پسر خوبی پیدا کنید، باید جرئت بخرج دهید، باید بتوانید مدتی را بدون دوست پسر برای

بگذرانید. این باعث میشود که هم خود را بهتر بشناسید و هم بدانید که واقعاً بدنبال چطور پسری میگردید.

این چند مسئله را حتماً در نظر بگیرید:

- دوست پسرت تو را کتک میزنه؟

بندازش بیرون! برو برگرد هم نداره. به هیچوجه و تحت هیچ شرایطی، یک پسر حق دست بلند کردن، سیلی زدن، یا حتی هل دادن دوست دختر و یا زن خودش را ندارد، حتی در حالت بحث و دعوا و یا عصبانیت. چرا که این یعنی خشونت و خشونت، هم غیر انسانی است، هم غیر متمدنانه و نشاندهنده این است که طرف هنوز فکر میکنه که مرد حق کتک زدن داره. دختران هم عصبانی میشوند، ولی مگر آنها دوست پسر یا شوهر خود را زیر سیلی و مشت و لگد میگیرند؟

بعضی از دختران که دوست پسرشان بر علیه آنها خشونت بکار میبرد، در جواب این سؤال که چرا این چیزها را تحمل میکنید میگویند: "آخه میگه دوستم داره."

ولی این امکان ندارد کسی عاشق و دوستدار شما باشه و در عین حال شما را کتک بزند و شخصیت و احترام و غرور شما را له کند، تازه حالا که با هم دوست هستید، اینطوری رفتار میکند وای بحال روزی که دیگه زنش بشوید. اصلاً پسر روشنفکر و فهمیده این قرن که به آزادی، حقوق بشر، آزادی

جنسی و برابری انسانها و دمکراسی اعتقاد دارد، بخودش حق نمیدهد به انسان دیگری توهین بکند چه برسد به اینکه بخواهد روی دوست دخترش دست بلند کند.

البته این را هم باید گفت که توی هر رابطه‌ای اختلاف نظر، بحث و قهر و آشتی هست، این تقریباً طبیعی است و منظور من این چیزها نیست.

اما اگر یکی چندتا مسئله هست که همیشه باعث عصبانیت طرف میشود و مرتب آنها را به رخات میکشد، به احتمال زیاد رابطه شما یک اشکال جدی دارد. اگر جاه و مقام و پول و موقعیت خودش را به رخ شما میکشد و ارزش خودش را بالاتر از شما می‌داند، ولش کن که بره، چنین رابطه‌ای ارزش ندارد، اگر هم به دست و پاهاش بیفتد که ببخش و اشتباه کردم و ... سعی کن تصمیم قاطع بگیری کنی که آیا ارزش دارد یا نه، و اگر برای چندمین بار است، دیگر حتی فکرش را هم نکن که بخواهی و فکر

به دوستی با طرف ادامه دهی.

توی رابطه‌ای که یکی اسیر باشد و دیگری کتک بزند و خود را همه کاره بداند، عشق که هیچی، حتی نمی‌توان رابطه سکسی لذتبخشی را هم تجربه کرد چه برسد به اینکه با این شخص درباره فانتزی سکسی و خیلی چیزهای دیگر حرف زد.

ول کردن دوست پسری که خشونت هم بکار میبرد، کار ساده‌ای نیست، حتماً احساس تنهایی میکنید، دلتان به رحم می‌آید و خیلی از این احساسات، اما بهترین پادزهر این است که اعتماد به نفس داشته باشید، بگو من دختر خوبی هستم و لایق یک دوست پسری که قدر و ارزش مرا میداند، بگو من کنیز نیستم. و باور کن که روزی عشق واقعی را پیدا میکنی بدون آنکه با کتک و تحقیر قاطی باشد. تنها راه یافتن عشق واقعی، خارج شدن از رابطه غلط فعلی است.

- تجاوز جنسی در رابطه؟

تجاوز جنسی یعنی این است که یکی بر خلاف نظر و خواسته دیگری کاری را با او انجام دهد، اینکار لازم نیست حتماً تجاوز بشکل دخول باشد، اگر شما نخواهید، حتی دست زدن به سینه شما، بوسه سکس دهانی بزور و امثال اینها همه بعنوان تجاوز جنسی حساب میشود. هیچکسی حق ندارد اجباری،

خلاف خواسته دوست دختر / پسر خود کاری را بزور با او انجام دهد. مسئله خیلی ساده است: بدن هر

بر مال خودش است، پسر مالک و حاکم بر بدن خودش است و دختر هم مالک و حاکم بر بدن خودش. کسی

به همین سبب با هیچ بهانه‌ای نباید بر خلاف خواسته کسی، کاری انجام بگیرد. (حتی در رابطه زن و شوهری) پس در روابط خود راحت و واضح باشید. نه! یعنی نه!

یک چیز دیگر اینکه توی رابطه و حتی سکس خود (اگر دارید) حد و مرز خود را به طرف اعلام کنید، و یادتان باشد که اگر یکبار در تنهایی (از جمله در هنگام سکس) اختلافی بین شما پیش آمد و از آنجایی بزنید، به هیچ عنوان این را همانجا اعلام نکنی که میخواهی قطع رابطه کنی، میخواستید

کن تا لحظه‌ای که به خانه برگشته‌ای یا در جای امنی هستی و آنوقت اعلام قطع رابطه بکن. اکثراً صبر

پسرانی که توی سکس خشونت بکار میبرند، به کتک و ضرب و شتم هم رو می‌آورند.

آزادی جنسی هم به نفع پسران است و هم به نفع دختران و کل جامعه. چه بهتر که روابط دختر و پسر و زن و مرد، روابطی انسانی و امروزی باشند و اگر اینطور نشود، یعنی ما قادر به رعایت قوانین آزادی جنسی نبوده و شایسته آن هم نیستیم، یعنی درجا زدن در چیزی که امروز داریم و همه از

آن می‌نالیم. و این یعنی ما همه بازنده‌ایم.  
دوست شما مریم.

برای تماس با من به ای‌میل سکاف‌نامه بدهید و در قسمت موضوع بنویسید: مریم

---